

رویکرد واقع‌گرایانه تاریخی در رمان «الزلزال» طاهر وطار

کبری روشنفکر¹، علیرضا کاوه‌نوش‌آبادی^{2*}، فرامرز میرزایی³

(تاریخ دریافت: 93/2/22، تاریخ پذیرش: 93/9/24)

چکیده

جامعه‌الجزایر در تاریخی پرفراز و نشیب، انقلاب‌های متعددی را تجربه کرده است. انقلاب تاریخی 1962م علیه استعمار فرانسه، انقلاب کشاورزی و پدیده اصلاحات ارضی 1971م از مهم‌ترین رخدادهای واقعی به‌شمار می‌روند که تاریخ معاصر الجزایر تجربه است. از این‌رو بدیهی است ادبای برجسته و متعهد الجزایری، این رخدادها را زیر ذره‌بین قرار داده و از منظر خود در این خصوص سخن گویند.

طاهر وطار (1936-2010م)، از بزرگ‌ترین رمان‌نویسان الجزایر، در رمان «الزلزال» خود، با نگاهی واقع‌گرایانه به برخی از مهم‌ترین مسائل تاریخی جامعه خود می‌پردازد. پرداختن به پدیده اصلاحات ارضی و یا انقلاب کشاورزی، استعمار، آزادی و مسائل ریز و درشت مرتبط، پدیده‌هایی حقیقی به‌شمار می‌رود که نویسنده با خلاقیت ادبی خود، آنها را بازآفرینی کرده است. اندیشه سوسیالیستی حاکم بر رمان در مسائلی مانند تبعیض‌های اجتماعی، نداشتن امنیت و آرامش، ظلم و جور و ... نمود پیدا کرده و راه‌حل‌هایی تمام این مشکلات و وقایع تاریخی - اجتماعی در انقلاب‌های سوسیالیستی خلاصه می‌شود.

*kroshan@modares.ac.ir

1. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

2. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد، زبان و ادبیات عرب، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

3. استاد گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران.

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در صدد واکاوی نوع رویکرد نویسنده، در پرداختن به موضوعات اساسی رمان است. با توجه به تطابق رمان «لزلال» با بسیاری از ویژگی‌های رمان تاریخی - رئالیستی، می‌توان رویکرد نویسنده را در این رمان، واقع‌گرایانه تاریخی توصیف و آن را یک رمان تاریخی - رئالیستی قلمداد کرد.

کلید واژه‌ها: طاهر و طار، رمان «لزلال»، رویکرد واقع‌گرایانه تاریخی، تاریخ معاصر الجزایر.

1. مقدمه

در بررسی ادبیات یک جامعه، آشنایی با نظام موجود، زنجیره پیوندها، جو فرهنگی حاکم و به‌طور کلی محیط و اوضاع سیاسی، اقتصادی، تاریخی، اجتماعی و فکری آن جامعه ضروری است.¹ ادبیات با تمامی گونه‌های خود، به‌ویژه در عصر کنونی آینه‌ای از واقعیت‌های فکری، اجتماعی و سیاسی است که یک ادیب در زندگی خود با آن مواجه است و تلاش می‌کند تا آن واقعیت تلخ یا شیرین را به تصویر درآورد.

رویکرد واقع‌گرایانه یا رئالیستی به واقعیت‌های موجود در جامعه می‌پردازد. مویسان رمان‌نویس فرانسوی (1850-1893) رئالیسم را این‌گونه تعریف می‌کند: «کشف و ارائه آن‌چه که انسان معاصر واقعاً هست» (سیدحسینی، 147:1366).

رئالیسم به شاخه‌های گوناگون تقسیم می‌شود که رئالیسم اجتماعی، انتقادی، خام، جادویی و غیره از آن جمله است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین خصوصیت ادبیات رئالیستی، توصیف انسان به‌صورت موجودی اجتماعی است. به بیان دیگر، رئالیسم ریشه رفتار آدمی را در شرایط اجتماعی زمان می‌جوید. این مکتب، صفات نیک و بد را پدیده‌های طبیعی و ذاتی انسان نمی‌پندارد، بلکه آن‌ها را محصول جامعه می‌شمارد (پرهام، 46:1362): بنابراین «رئالیسم سوسیالیستی» یا «واقع‌گرایی اجتماعی» را باید از مهم‌ترین شاخه‌های رئالیسم دانست.

رئالیسم سوسیالیستی «سبکی زیباشناختی و ادبی است که استالین آن را در اوایل دهه 1930 م به‌عنوان تنها سبک مناسب جوامع کمونیست معرفی و بر اتحاد جماهیر شوروی تحمیل کرد» (دنسی، 1388/10/2). از مهم‌ترین شاخصه‌های واقع‌گرایی اجتماعی توجه به انسان و مشکلات او در جامعه است، زیرا «اهمیت واقع‌گرایی اجتماعی در ادبیات جهان، این است که

نظام سرمایه‌داری؛ برسازی هویت مطلوب ... _____ کبری روشنفکر و همکاران

در آن، انسان می‌تواند بر موانع ترقی اجتماعی چیره شود و جامعه‌ای عادلانه بر شالوده‌ای منطقی پدید آورد» (ساجکوف، 1362: 294)؛ بنابراین پرداختن به موضوعاتی مانند ظلم، فقر، رنج و بدختی و در مقابل آن ظلم ستیزی و عدالت‌خواهی و ... می‌تواند از جمله مصادیق این نوع مکتب باشد.

منظور از رویکرد تاریخی در یک اثر ادبی مانند رمان، ارتباط متن ادبی با تاریخ و میزان تأثیر و تأثر آن‌ها از یکدیگر است. هنگامی که سخن از رویکرد تاریخی به میان می‌آید ناگزیر باید به رویکرد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز اشاره شود، چرا که آن‌ها با یکدیگر پیوندی عمیق و ارتباطی تنگاتنگ دارند؛ به طوری که نمی‌توان آن‌ها را از یکدیگر جدا کرد. امروزه این ارتباط را رمان بیش و بهتر از سایر انواع ادبی نمایان می‌کند، زیرا «رمان با مضمون‌ها و شکل‌های مختلف خود بیش از سایر انواع ادبی، واقعیت پیش‌روی انسان را مطرح می‌کند؛ یعنی همان مسائلی که او در ارتباط و پیوند تاریخی‌اش با امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... لمس می‌کند، مسائلی مانند ظلم، سرقت، بهره‌کشی، خواری و زبونی و ... در حقیقت رمان عربی تصاویری حقیقی از ابعاد مختلف تاریخ معاصر عربی را پیش‌روی مخاطب خود قرار می‌دهد» (جاسم الموسوی، 1975: 15).

هنگامی که از رویکرد تاریخی در رمان سخن می‌رانیم در واقع با دو مسأله اساسی رمان و تاریخ سروکار داریم. از دیرباز، میان رمان و تاریخ رابطه عمیقی نهفته بوده است، چنان که گفته می‌شود «یکی از معانی واژه لاتین تاریخ یعنی «history» بر داستان و رمان دلالت می‌کند و از معانی واژه لاتین داستان یعنی «story» روایت کردن حادثه‌ای رخ داده و یا مجموعه‌ای از حوادث واقعی است که تاریخ نامیده می‌شود (ایرانی، 1380 هـ.ش: 52).

رابطه رمان با تاریخ در ادبیات تا جایی پیش می‌رود که منجر به پیدایش «رمان تاریخی» می‌شود. تعاریف بسیاری از رمان تاریخی به شرح زیر وجود دارد.

- «رمان تاریخی رمانی است که در آن شخصیت‌های تاریخی به همراه سلسله حوادث گذشته بازآفرینی می‌شوند. در بسیاری از اوقات دو عامل فرهنگی با یکدیگر در نزاع هستند. فرهنگی در حال از بین رفتن و فرهنگی در حال شکل‌گیری است. در میان این نزاع و درگیری، شخصیتی تاریخی یا شخصیت‌های تاریخی به پا خاسته و در حوادث شرکت می‌کنند» (میرصادقی، 1376 هـ.ش: 427).

- «رمان تاریخی رمانی است که شخصیت‌ها و حوادث را بار دیگر به طور تخیلی خلق می‌کند (ایرانی، همان: 587).

- «رمان تاریخی همان‌گونه که از نام آن مشخص است حوادث و اشخاص را به‌طور کامل در یک متن تاریخی برای ما ترسیم می‌کند، حال آن‌که اشخاص ممکن است واقعی باشند یا خیالی» (هاتورون، 1380 ه.ش: 28).

- «رمان تاریخی روایتی داستانی است که نویسنده در آن حوادث، شخصیت‌ها و زمان‌های تاریخی را با تکیه بر قدرت تخیل خود و به کمک شخصیت‌های تاریخی و داستانی می‌سازد و گاهی واقعیت‌ها و حقایق تاریخی را تجزیه و تحلیل می‌کند» (غلام، 1381 ه.ش: 45).

- همچنین نوعی رمان تاریخی نیز وجود دارد که از آن به‌عنوان «رمان تاریخی واقعی یا رئالیستی» تعبیر می‌شود. این نوع رمان از نیمه‌های قرن 19 تاکنون تألیف شده است که برای نمونه از زندگی خانواده‌ای به مثابه کل جامعه سخن می‌گوید و بیشتر بر مسائل تاریخی و اجتماعی تأکید می‌کند. این نوع رمان، برخلاف موارد پیشین که به مکتب رمانتیسیم گرایش داشتند، بیشتر به مکتب رئالیسم گرایش دارد (غلام، همان: 84).

بنا بر آنچه که گفته شد می‌توان چنین بیان داشت که در رمان تاریخی دو عنصر مهم وجود دارد یکی ارتباط آن با واقعیت‌های تاریخی و دیگری بازآفرینی شخصیت‌ها و حوادث با استفاده از عنصر خیال ادبی.

ادبیات معاصر کشور الجزایر به‌ویژه در گونه پرکاربرد خود یعنی رمان، به دنبال ترسیم واقعیت‌هایی مانند استعمار، ظلم و جور، عقب‌ماندگی فکری، نابسامانی‌های اجتماعی و... است که چالش انسان معاصر الجزایری است. از این‌رو نویسندگان زبردست الجزایری چون طاهر وطار، دکتر واسینی الأعرج، عبدالحمید هلوکه و... تمامی سعی خود را بر آن داشته‌اند تا این قبیل موضوعات را در کنار رشادت‌ها، مقاومت‌ها، ایثارها و جان‌فشانی‌ها آنان به خوبی به تصویر درآورند، آن هم برای دستیابی به اهدافی بزرگ و والا چون استقلال، آزادی فکری، آزادی اجتماعی و رهایی تمام مردم از قید و بند خانمان‌سوز استعمار.

با نگاهی گذرا به آثار ادبی طاهر وطار، ادیب بزرگ الجزایری، می‌توان دریافت که درون‌مایه اصلی بیشتر آثار ایشان با تأثیرپذیری بسیار نویسنده از اوضاع اجتماعی، سیاسی، تاریخی و ... جامعه خود بسیار رنگ و لعاب رئالیستی (واقعی)، تاریخی و اجتماعی به خود می‌گیرد. او «در

نظام سرمایه‌داری؛ برسازی هویت مطلوب ... _____ کبری روشنفکر و همکاران

بیشتر آثار خود متن جامعه و واقعیت‌های اجتماع را شالوده و اساس بحث خویش قرار می‌دهد» (النساج، 1982: 255).

در حقیقت این رمان‌نویس به‌عنوان نویسنده‌ای متعهد، معضلات و مشکلاتی را که مردم الجزایر در راه رهایی از استعمار و استبداد جهان‌خوارانی چون فرانسه، با آن‌ها دست و پنجه نرم کردند، به تصویر می‌کشد و در حقیقت می‌توان چنین بیان کرد که آثار ایشان بازتابی از واقعیت‌های تاریخ معاصر الجزایر است.

مقاله کنونی با کاوش در مضمون از مهم‌ترین آثار ادبی این نویسنده، یعنی رمان «الزلزال» سعی بر آن دارد تا نوع نگاه و رویکرد این رمان‌نویس را در این اثر مورد واکاوی قرار دهد، یا به عبارتی دیگر در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که چگونه رویکرد واقع‌گرایانه تاریخی در این اثر نویسنده تجلی می‌یابد؟ به نظر می‌رسد رمان‌نویس قصد آن دارد تا با پرداختن به موضوعاتی اجتماعی، تاریخی و رئالیستی آن هم به شیوه‌ای ادیبانه خود را نویسنده‌ای متعهد جلوه داده و هم‌نوا با مردم کشورش ندای آزادی و اجرای عدالت برای همگان سردهد.

به طور کلی منظور از رویکرد واقع‌گرایانه تاریخی در رمان الهام‌گیری نویسنده از واقعیت معاصر الجزائر و بازآفرینی داستانی و ادبی شخصیت‌ها، حوادث و موضوعات تاریخی و... است.

ظاهر و طار در این رمان، مسأله «قانون اصلاحات ارضی» را مورد توجه خود قرار داده است. اجرای این قانون به سال 1971م در کشور الجزایر، بازخوردهایی گوناگون را به دنبال داشت، از جمله این‌که برخی از مالکین و زمین‌داران بزرگ، به دلیل از دست دادن منافع خود، با این قانون از سر ناسازگاری برآمدند و به هر نحو ممکن، تمام تلاش خود را بر آن گذاشتند تا اراضی خود را از دست ندهند. نمونه این موضوع در این رمان شخصیت شیخ «أبوالأرواح» است، اما اجرای این قانون گامی در راستای عدالت است.

«این رمان نوعی پژواک رخدادهای دهه هفتاد میلادی الجزایر است» (عبدی، 207:1391)؛ بنابراین می‌توان ابراز داشت که رمان‌نویس در این رمان با رویکردی تاریخی و واقعی، تصاویری حقیقی و تجربه‌شده را مقابل دیدگان مخاطب قرار می‌دهد، رویکردی که در دیگر رمان‌های او نیز، هر چند به نحوی دیگر، اما کاملاً مشهود است.

اهمیت موضوع در آن است که نوع نگاه واقع‌گرایانه تاریخی به رمان به ما کمک می‌کند تا مضمون رمان را بهتر درک کرده و تحلیل مناسب‌تری از مسائل ادبی و واقعی این اثر داشته باشیم.

از دیگر اهداف این پژوهش، آشنایی با ادبیات معاصر الجزایر، ضمن معرفی یکی از مشهورترین رمان‌نویسان آن و تأکید بر موضوعات حائز اهمیت از نگاه نویسنده است. در مورد پیشینه پژوهش باید اذعان داشت که در کشورهای عربی بر آثار طاهر وطار از جمله رمان «الزلزال»، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

1- کتاب «الروایه الجزائریه و رؤیه الواقع» تألیف دکتر عبدالفتاح عثمان؛ این کتاب در سال 1993م به نگارش درآمد و به بررسی و تحلیل موضوعی و نیز ساختاری برخی از رمان‌های نویسندگان الجزایری می‌پردازد. نویسنده اشاراتی گذرا به موضوع و ساختار متن سه رمان «اللاز»، «الزلزال» و «العشق و الموت فی الزمن الحراشی» دارد.

2- «الزلزال جدل الإخصاب و العقم» عنوان پژوهشی است به قلم دکتر واسینی الأعرج؛ نخست در سال 1989م در ضمن کتاب خود به نام «الطاهر وطار، تجربه الکتابه الواقعیه» به آن پرداخت. پس از آن به‌عنوان پژوهشی مستقل در جلد سوم «هکذا تکلم وطار، مقامات نقدیه و حوارات مختاره» به مساعدت دکتر علی ملاحی به چاپ رسید. این مقاله بخشی از مضمون این رمان را به‌صورت گذرا مورد بررسی قرار داده و به برخی از جنبه‌های سوسیالیستی انقلاب اشاره دارد.

3- پایان‌نامه‌ای با عنوان «الثوره الجزائریه فی روایات الطاهر وطار» از سلمی محمد سعد در سال 2000م در دانشگاه امریکایی بیروت است. تجلی انقلاب مردم الجزایر را در آثار طاهر وطار مورد بررسی قرار می‌دهد و در خلال بحث‌های خود، تنها به مسأله انقلاب و مؤلفه‌های زمینه‌ساز به وقوع پیوستن آن در رمان «الزلزال» می‌پردازد.

4- «الأبعاد الحضاریه فی روایه الزلزال للطاهر وطار» عنوان نگارشی است در 7 صفحه، نوشته وازنی مبارک در سال 2010م. تنها شرحی مختصر از موضوع کلی رمان «الزلزال» را بیان داشته است.

5- «هکذا تکلم الطاهر وطار» عنوان مجموعه ارزشمندی است که به کوشش دکتر علی ملاحی در چهار جلد انتشار یافته است. ملاحی تلاش کرده تقریباً تمامی پژوهش‌ها و نقدهایی را که در خصوص طاهر وطار و آثارش در جهان عرب صورت گرفته است، گردآورده و با این عنوان به چاپ رساند.

نظام سرمایه‌داری؛ برسازی هویت مطلوب ... _____ کبری روشنفکر و همکاران

در ایران مطالعه و پژوهش پیرامون ادبیات الجزایر و نویسندگان و رمان نویسان الجزایری به جز پژوهش‌هایی چند، آثاری دیگر منتشر نشده و کمتر مورد توجه و عنایت پژوهشگران قرار گرفته است.

6- رساله دکتری فاطمه قادری در سال 1384 ه.ش، با عنوان: «بررسی تحول ادبیات معاصر الجزایر 1975-1925» به راهنمایی آذرشب؛ به‌طور کلی از ادبیات الجزایر سخن می‌راند و در این میان به ذکر نامی از نویسندگان این کشور چون طاهر وطار و برشمردن چند اثر از او بسنده می‌کند. این رساله در سال 1389 ه.ش در قالب کتاب به زیور طبع آراسته شد. طاهر وطار و شخصیت ادبی و آثار او نیز یکی از همین موارد است که در ایران به جز آثاری بسیار محدود تقریباً مغفول مانده است.

7- «رویکرد جامعه‌شناختی بر آثار طاهر وطار (مطالعه مورد پژوهانه: رمان الزلزال براساس الگوی لوسیان گلدمن)» مقاله‌ای از صلاح‌الدین عبدی، شماره هفتم فصل‌نامه «لسان مبین» در سال 1391 ه.ش، به چاپ رسیده است. همان‌طور که از عنوان برمی‌آید این مقاله بیشتر بر ارتباط متن با ایدئولوژی نویسنده براساس یکی از نظریه‌های نقد اجتماعی تأکید دارد. با وجود پژوهش‌های حاضر که برخی از آن‌ها به مضمون این رمان هم نگاه داشته‌اند، ولی از جنبه‌ای متفاوت از جنبه پژوهش حاضر به مضمون رمان نگریسته و آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. می‌توان ابراز کرد که تاکنون پژوهشی مستقل با تأکید بر جنبه تاریخی و رئالیستی در این رمان تحت عنوان «رویکرد واقع‌گرایانه تاریخی در رمان «زلزال» طاهر وطار» صورت نگرفته و این پژوهش با نگاهی وسیع‌تر و عمیق‌تر به دنبال آن است تا چگونگی تجلی یافتن این رویکرد را در رمان، مورد واکاوی قرار دهد.

2. طاهر وطار و رمان «زلزال»

2-1. اندیشه ادبی، سیاسی و اجتماعی طاهر وطار

طاهر وطار در سال 1936م بنابر قول مشهور در روستای «صدراتا» در نزدیکی شهر «مداوروش» دیده به جهان گشود. ایشان در خانواده‌ای متوسط رشد و نمو یافت که متشکل از 6 نفر بود پدر، مادر و 4 پسر. پدر کارمند بسیار ساده‌ای در شهرداری بود که تصمیم گرفت تا

2 تن از فرزندان او را به مدرسه‌ای فرانسوی و 2 تن دیگر را به مدرسه‌ای که زبان عربی را آموزش می‌داد بفرستد. در این میان سهم طاهر دومی بود؛ بنابراین طاهر و طار از همان کودکی، با زبان عربی عجین شد و پس از آن هم، صرف و نحو را در «جمعیه العلماء» واقع در مداوروش آموخت. در 17 سالگی به موسسه شیخ عبدالحمید ابن بادیس در «قسنطینه» پیوست (حمید، 1944: 41، وکامبل، 1996: 1371، الثقافه الجدیده، 1981: 157).

طاهر و طار در فضا و محیطی دینی همراه با قرآن کریم بزرگ شد، از این رو بلاغت قرآن تأثیر به‌سزایی در زبان و بیان این رمان‌نویس گذارد (عبدالقادر، 2010: ش 138.35). در جوانی نیز با آثار جبران خلیل جبران، میخائیل نعیمه، طه حسین، مصطفی صادق رافعی آشنایی پیدا کرده و آن‌ها را مورد مطالعه عمیق خود قرار داد (هلال، م.ن: 216-217).

پس از آن در دانشگاه «الزیتونه» در تونس پذیرش شد، اما دیری نپایید که مشارکتش در تحصن دانشجویی، سبب اخراجش از آن دانشگاه شد؛ بنابراین تحصیل را رها کرد و به نگارش روی آورد. و طار در این خصوص می‌گوید: «در زندگی‌ام هیچ مدرکی کسب نکردم به جز مدرک تابعیت (الجزائری) و گواهی‌نامه. من از همان روز نخست به انقلاب الجزایر پیوستم و درحالی که برخی از همکلاسی‌هایم به تحصیل خود ادامه دادند و آنان اکنون با درجه دکتری، استادان دانشگاه‌های الجزایر هستند، اما من از این‌که درس و بحث را رها کردم، تأسف نخوردم، همچنین اگر باری دیگر زندگی تکرار شود، دوباره همین مسیر را برخواهم گزید» (الثقافه الجدیده، همان).

وطار نگارش خود را با همکاری و قلم‌زدن برای جرابدی مانند «البلاغ، الجدید، الأخبار، لواء البرلمان، الصباح والنداء» آغاز کرد (بن جمعه، 1992: 212).

این ادیب بزرگ الجزایری در طول حیاتش، 3 مجموعه داستانی «دخان من قلبی»، «الطعنات» و «الشهداء يعودون هذا الأسبوع»، 2 نمایش‌نامه «علی الضفء الأخری» و «الهارب» و 10 رمان «اللاز»، «الزلزال»، «الحوات و القصر»، «الطعنات»، «عرس بغل»، «رمانه»، «تجربه فی العشق»، «الشمعه و الدهالیز»، «الولی الطاهر يعود إلى مقامه الزکی» و «الولی الطاهر یرفع یدیة بالدعاء» به یادگار گذاشت.

طاهر و طار در طول نگارش ادبی‌اش، همواره بر عربی نوشتن تأکیدی ویژه داشت، به عربی نوشتن تمامی آثارش، گواه این مدعاست؛ این در حالی است که بسیاری از ادبای معاصر ایشان

نظام سرمایه‌داری؛ برسازی هویت مطلوب ... _____ کبری روشنفکر و همکاران

در الجزایر مانند محمد الدیب، مولود فرعون، کاتب یاسین و... آثار خود را به زبان فرانسه منتشر کردند. بدین ترتیب و طار با انتشار آثار ارزشمند خود به‌ویژه رمان‌هایش به زبان فصیح عربی سبب احیاء و ترویج دوباره این زبان اصیل و همچنین احیاء فرهنگ اصیل عربی شد، و شاید به همین دلیل بوده است که او را «پدر رمان الجزایری» و یا «بنیان‌گذار رمان عربی در الجزایر» لقب داده‌اند.

الجزایر طی تاریخ بلندمدت، با تولیت حکومت‌های متعدد، دست‌خوش تحولات بسیاری قرار گرفته است. شاید بتوان بیان کرد مهم‌ترین پدیده‌ای که الجزایر و الجزایری را به شدت با خود گلاویز کرد، پدیده شوم استعمار فرانسه بود که حدود 132 سال (1962-1830م) گریبان مردم بی‌گناه این کشور را گرفت و اگر رشادت‌ها، جان‌فشانی‌ها، ایثارها، مجاهدت‌ها و انقلاب‌های ریز و درشت از سوی تمامی اقشار ملت، علماء، ادباء، مردم عامه و ... نبود این کشور هرگز طعم خوش آزادی را نمی‌چشید.

استعمار با تمامی مظاهر پلیدش، فرهنگ اصیل عربی اسلامی این کشور را نشانه گرفته بود. در همین راستا فرانسه قصد استعمار ابدی این کشور را داشت. این تصور در پاره‌ای از زمان، در میان الجزایری‌ها شایع بود.

حال آن‌که در این میان، طاهر و طار به‌عنوان نویسنده‌ای متعهد به مسائل کشورش در پی آن بود تا در رمان‌های خود، به واقعیت‌های پیش‌روی مردم خود بپردازد تا هم‌نوا با مردم رنج‌کشیده کشورش در پی آزادی آن بکوشد و از درد و رنج‌های آنان سخن براند، چرا که خود را یک انقلابی تمام‌عیار می‌داند.

2-2. اندیشه اصلی حاکم بر مضمون رمان «الزلزال»

رمان «الزلزال» از نخستین رمان‌های الجزایری نگاشته شده به زبان عربی قلمداد می‌شود که به اصطلاح این رمان نمایان‌گر مرحله آغازین «مرحله التأسيس» است. نویسنده در این رمان در مورد مرحله‌ای از تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور الجزایر به شیوه‌ای ادبی قلم‌زنی می‌کند (فیلالی، 2011: ج 1، 582).

این رمان قانون اصلاحات ارضی «انقلاب کشاورزی» را رصد می‌کند که مرحله‌ای تاریخی - اجتماعی از واقعیت‌های رخ داده در کشور الجزایر به‌شمار می‌رود. در این خصوص شریبط

ناقد چنین بیان می‌دارد: «این رمان مرحله تاریخی مشخص از واقعیت جامعه الجزایری را ترسیم می‌کند و آن زمانی است که قانون اصلاحات ارضی در اوایل دهه هفتاد میلادی با هدف کمتر شدن فاصله‌های طبقاتی زندگی در جامعه الجزایر اجرا شد. در حقیقت نوعی انقلاب سوسیالیستی در پی شکل‌گیری است، اما در این میان، برخی به دلیل حفظ منافع خود، در برابر این قانون به پاخواسته و به شدت مقاومت می‌کنند (شربیط، 2011، ج 1، 397).

اجرای قانون اصلاحات ارضی مشکلاتی مانند سرگردانی و نداشتن آگاهی کشاورزان در مورد این قانون، سلطه و سیطره زمین‌داران بزرگ و قدرت آن‌ها در سرپیچی از این قوانین، سوء مدیریت اجرایی در تعاونی‌های کشاورزی در پی داشت، که سبب شکست این طرح شد. (الزبیری، 1999م: ج 1، 17)

«أبوالأرواح» شخصیت اصلی داستان از متمولین و بزرگ ملاکین اراضی به‌شمار می‌رود «عندی ما یزید من ثلاثه آلاف هكتار» (وطار، 1974: 38) که در پی به اجرا درآمدن قانون اصلاحات ارضی در سال 1971م متضرر می‌شود. از این‌رو، درونش آکنده از حقد و کینه، نسبت به دیگر شهروندان منفعت‌برده از این قانون در صدد یافتن راهی برای رهایی از این قانون است.

این رمان از یک فئودالیست سخن می‌راند که تا آخرین نفس، از اراضی خود دفاع می‌کند. با خبر توزیع اراضی در میان کشاورزان از سوی حکومت، به جستجوی نزدیکان و خویشاوندان خود می‌پردازد تا اراضی خود را میان آنان توزیع کند (ساری، 2011: ج 1، 336). کسانی که پیش از آن، حتی در فقر به سر می‌بردند و از آن‌ها یادی نمی‌کرد. در واقع او، این‌گونه در پی یافتن راهی برای فرار از مبادی و اصول قانون اصلاحات ارضی است که به‌طور مطلق ضد منافع اقلیت مالکان بزرگ اراضی و به نفع بیشتر کشاورزان است.

علی‌رغم این ذکاوت أبوالأرواح، و بهتر آن است گفته شود با این پلیدی‌اش، نه به‌عنوان یک فرد، همچنین به عنوان نماینده یک طبقه هیچ‌گاه به هدف خود نمی‌رسد. آگاهی و هوشیاری نسبی میان طبقات اجتماعی جامعه الجزایر به‌ویژه کشاورزان پدید آمده و آنان برای رسیدن به حق خود مبارزه و مقاومت می‌کنند (الأعرج، 2011: ج 1، 225).

سرانجام أبوالأرواح با پافشاری بر مقاصد خود، دستگیر شده، دچار پریشانی خاطر و از دست دادن تعادل فکری و روانی می‌شود، و به دلیل ناکامی در نیل به اهدافش، دست به

نظام سرمایه‌داری؛ برسازی هویت مطلوب ... _____ کبری روشنفکر و همکاران

خودکشی می‌زند. «اعتراه الشعور الغامض، أحسن باللون الداكن فى أعماقه ... غاز أو رصاص أو قار أو أى شىء من قبيل المادة الثقيلة...» «الذهول و الهلع و امتلاء النفس باللون الداكن» (وطار، همان: 20 و 23).

3. رویکرد واقع‌گرایانه تاریخی در رمان «الزلزال»

الجزایر در رهگذر تاریخ معاصر خود حوادثی بس مهم را پشت سر گذارد که سرنوشت جامعه الجزایری را به شدت تحت تأثیر خود قرار داد. استعمار، انقلاب و آزادی از مهم‌ترین مفاهیمی است که به خوبی در دوران معاصر الجزایر معنا پیدا می‌کند. این کشور پس از 132 سال مبارزه با استعمار خانمان‌سوز کشور فرانسه با انقلابی که در سال 1962م به وقوع پیوست، طعم خوش آزادی را چشید. پس از آن نیز انقلاب‌ها و یا حرکت‌های درونی نیز جهت اصلاح ساختار حاکم بر جامعه الجزایر شکل گرفت که از مهم‌ترین آن می‌توان به انقلاب کشاورزی یا پدیده اصلاحات ارضی سال 1971م اشاره کرد.

همان‌طور که اشاره شد رمان «الزلزال» بخشی از واقعیت‌هایی را که تاریخ معاصر الجزایر آن را پشت سر گذارده، به تصویر می‌کشد. در این رمان، واقعیت‌های اجتماعی مانند پدیده استعمار و مصادیق آن مانند ظلم و جور، نداشتن امنیت و آرامش، پدیده انقلاب، عدالت‌خواهی، مبارزه با تبعیض‌نژادی و آزادی‌خواهی به‌ویژه آزادی فکری بیشتر نمایان است. از این‌رو بر این سه موضوع «استعمار، انقلاب و آزادی» و یاد مصادیق آن‌ها بیشتر تأکید شده است.

3-1. استعمار

پدیده شوم استعمار دست در گریبان کشورهای مظلوم جهان سومی به‌ویژه کشورهای مسلمانی چون کشور الجزایر دارد توجه بسیاری از آزادی‌خواهان از جمله نویسندگان متعهد و متفکری چون طاهر وطار را به خود جلب کرد. وطار در این رمان نیز مانند بسیاری از آثار دیگر خود، به این پدیده خانمان‌سوز توجه شایانی دارد تا جایی که «دلیل اصلی عقب‌ماندگی و پیشرفت‌نکردن کشور الجزایر و مردمش را وجود نحس استعمار فرانسه می‌داند» (وطار، 1428ه: 144). نویسنده معتقد است غرب و سیاست استعماری منبع هر خطری برای

کشورهای عربی است. سیاست استعماری همه چیز را نابود می‌سازد، شهرهای مسلمانان عرب را متلاشی ساخته و زندگی و دین را از آنها می‌گیرد، «فی الحق، الغرب، ظل ولا یزال مبعث الخطر المهتد للعرب والمسلمین ومدنهم و حیاتهم و دینهم» (همان: 38). «لو بقیت فرنسا هنا، لأجبرتنا جميعاً علی التنصر وترک الإسلام» (همان: 79).

رویگرد نویسنده تنها منحصر به کشور خویش نمی‌شود، نگاهی فراملی و جهانی دارد. البته این می‌تواند دال بر حس انسان‌دوستی و نوع‌دوستی نویسنده باشد. الجزایر نمونه است، ولی به این نکته اشاره دارد که بسیاری از کشورهای آفریقا و آسیا وضعیتی مشابه کشور نویسنده را دارند و از وجود این پدیده شوم رنج می‌برند. همچنین دلیل رشد نکردن اقتصاد الجزایر و وابستگی شدید آن به زراعت را همان می‌داند، چنان‌که می‌گوید: «أنظر هذه عاصمة فلاحیه. آنها الجزائر كلها، آنها إفريقيا كلها، آنها آسیا برمتها، آنها كل العالم المتخلف القائم علی الفلاحه» (همان: 167).

نداشتن امنیت و آرامش از جمله مصادیق استعمار به‌شمار می‌رود که رمان‌نویس در این باره نیز صورت‌گری می‌کند. در بخشی عنوان می‌کند: «... أعقبه انفجار قبله أولی، ثم ثانیة. ارتفع الصراخ وعلا الدخان، وقعت أجساد علی الأرض ... تتالت انفجارات قنابل أخرى» (همان: 81). نویسنده در این عبارت به انفجار بمب‌ها یکی پس از دیگری، کشته‌شدن مردمی بی‌گناه، ایجاد فضای اختناق و ظلمی ناروا اشاره دارد، تا اندازه‌ای که فرانسوی‌ها با احاطه‌کردن کل جامعه الجزایر، هر انسان قادر به حمل سلاح را به قتل می‌رسانند و حتی به کودکی پاک هم رحم نمی‌کنند: «كان هناک طفل ممدد والخنجر فی بطنه والدم یسیل» (همان: 131).

از دیگر شرایطی که مردم الجزایر سخت با آن دست به‌گریبان هستند، وضعیت بد و بی‌سامان اجتماعی است که که مورد تأکید نویسنده قرار می‌گیرد، مانند این بند از رمان که به همین نکته اشاره دارد «ازدواج در قسنطینه متوقف شده است، منازل و سکونت‌گاه‌ها مملو از مردم است، واحدهای آپارتمانی که مخصوص یک خانواده بوده است اکنون چندین خانوار را در خود جای داده است و ... به نظر می‌رسد که اوضاع به کلی درهم ریخته است» (همان، 26). البته که نویسنده با یاد این مصادیق، به‌طور ضمنی به حضور استعمار و آثار مخرب آن بر جامعه بی‌گناه و مظلوم الجزایر و بی‌سامانی شرایط اجتماعی اشاره دارد.

نظام سرمایه‌داری؛ برسازی هویت مطلوب ... _____ کبری روشنفکر و همکاران

با توجه به این تفاسیل، می‌توان دریافت که از مهم‌ترین گام‌ها برای ضربه‌زدن به الجزایری‌ها و از بین بردن هویت ملی آنان، مصادره اراضی است که حق واقعی آنان است تا برای تاجران این فرصت فراهم آید که آن را اندک اندک مورد معامله قرار دهند و به فروش برسانند. در حقیقت فرانسوی‌ها سعی بر آن داشتند تا این زمین‌ها را از صاحبان واقعی خود غصب کرده و در دهان باز اروپایی‌ها بریزند (سارتر، 1980: 36-29).

همان‌طور که قابل ملاحظه است رمان نویس با پرداختن به پدیده استعمار و مصادیق مختلف و نیز آثار مخرب آن سعی دارد آنچه را که تاریخ الجزایر آن را به خود دیده و ثبت کرده است با تصاویری ادیبانه، مقابل دیدگان مخاطب قرار دهد، واقعیت‌هایی مانند ظلم و جور، نداشتن امنیت و آرامش، وضعیت بی‌سامانی ازدواج و... از این دست هستند.

2-3. انقلاب کشاورزی

مطرح کردن مسأله انقلاب کشاورزی و یا قانون اصلاحات ارضی یک پدیده تاریخی - واقعی است. اجرای این قانون در کشور الجزایر، پیامدهایی متعدد را به دنبال داشت، از جمله این که بزرگ ملاکین متضرر الجزایری دهان به گلایه گشوده و راهی برای فرار از این قانون می‌جستند. مصداق بارز این موضوع، شخصیت اصلی داستان، شیخ أبوالأرواح است.

أبوالأرواح ساکن شهر است و سروکاری با زندگی روستایی ندارد و در حقیقت برای روستائیشینان حقی قائل نیست. او هیچ کشت و کاری روی زمین انجام نمی‌دهد و تنها در زمینه تعلیم و تربیت فعالیت می‌کند و ارتباط او با زمین تنها در بهره‌کشی از دیگر روستائیشینان و منفعت بردن از آن‌ها خلاصه می‌شود (عثمان، 1993: 135).

مهم‌ترین شاخصه‌هایی که زمینه برپایی انقلاب کشاورزی و یا پدیده اصلاحات ارضی را مهیا کرد.

3-3. عدالت برای همه و انقلاب سوسیالیستی

اندیشه حاکم بر این رمان آن است که تنها راه حل فائق‌آمدن بر مشکلات جامعه الجزایر در «انقلاب سوسیالیستی» تجلی می‌یابد؛ از جمله اهداف این انقلاب اجرای عدالت میان همگان

است. در حقیقت طبقه زحمت‌کش کارگر نقش خود را در راه به استقلال رساندن کشورش و آزادی اراضی آن به خوبی ایفا کرده است؛ بنابراین چرا این قشر نباید به حقوق واقعی خود برسند؟ در بخشی از رمان، رمان‌نویس در قالب گفتگویی درونی (مونولوگ) از زبان ابوالأرواح که با خود سخن می‌گوید بیان می‌دارد که آنان برای رسیدن به حقوق خود به پاخواسته و انقلاب کرده‌اند.

«ترکوا قراهم و بودایهم واقتحموا المدینه... ماذا یریدهم أن یفعلوا فی القرى والبوادی؟ أیسلطوا علی أراضی الملاک ویتزعوها منهم؟» (وطار، همان: 10).

این مقطع به این نکته اشاره دارد که آن طبقه کارگر متوسط که عمدتاً در روستا و دور از شهر سکنی گزیده است برای دستیابی به اراضی آزادشده که حق آن‌هاست، حمله‌ور شده‌اند و شیخ ابوالأرواح بسیار از این مسأله آشفته شده است.

3-4. درگیری و نزاع میان فئودالیست‌ها و سوسیالیست‌ها

طاهر وطار سه طبقه متفاوت را ترسیم می‌کند: 1- مالکین زمین‌های بزرگ 2- کشاورزان که بعدها دهقان شدند 3- اشراف بورژوا که در اشخاصی مانند «تینو» و «بلبای» متجلی شده و زمان حال و گذشته را ترسیم می‌کند. این سه طبقه در صفوف خود از تمام غنای تیپ‌های مختلف برخوردارند، تیپ‌هایی که در این پیکار با ابزارهای اقتصادی، عقیدتی، سیاسی و... پشتیبانی می‌شوند (عبدی، همان: 213).

در این رمان عبدالمجید ابوالأرواح نماینده جامعه فئودالی (تیول‌داران) و جریان ضد اصلاحات ارضی است؛ بنابراین تغییرات حاصله از اجرای این قانون را نمی‌تواند به راحتی هضم کند و بر تمامی شرایط جدید به وجود آمده در زندگی هجوم می‌برد و می‌توان گفت این عمل او دو دلیل دارد.

«1- این قانون ضد مبانی و اصول فئودالیسم است که از پدران و اجداد خود به ارث برده است و اجرای آن به سود طبقه فقیر و ضد طبقه غنی است.

2- منافع شخصی او را تهدید می‌کند» (سعد، همان: 90)، چرا که این اصلاحات ارضی، گامی مثبت در اجرای عدالت برای همگان در الجزایر به شمار می‌رود؛ بنابراین از اراضی او کاسته شده و به صاحبان واقعی آن می‌رسد.

نظام سرمایه‌داری؛ برسازی هویت مطلوب ... _____ کبری روشنفکر و همکاران

کشاورزان و دهقانان نیز جماعتی هستند که نویسنده سعی دارد رواج اندیشه سوسیالیستی را در میان آنان به نمایش گذارد اندیشه‌ای که حامی و مؤید ملی‌شدن زمین‌های کشاورزی یا همان قانون اصلاحات ارضی است.

در این رمان دو اندیشه متفاوت و متباین سوسیالیستی و فئودالی در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرد. فئودالیست‌ها به دنبال پاس‌داشت زمین‌ها و منافع خود و سوسیالیست‌ها هم در پی اجرایی‌شدن توزیع عادلانه زمین میان خود و دیگران هستند؛ بنابراین این دو طبقه در تضاد کامل با یکدیگر به سر می‌برند.

3-5. اختلاف طبقاتی

فاصله بسیار طبقاتی از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی است که بسیاری از مردم الجزایر از آن رنج می‌بردند. در این رمان طاهر و طار بسیار بر آن تأکید دارد که گوشه‌ای از این فاصله طبقاتی را به تصویر درآورد.

همان‌طور که بیان شد ابوالارواح از مالکین بزرگ زمین و طبقه ثروتمندان است، این در حالی است که بیشتر طبقه عامه مردم در فقر و نداری شدید به سر می‌برند. این فقر و بدبختی در رمان، از زبان برخی از شخصیت‌ها به خوبی نمایان است.

«أريد أن أسألک أئی أسکن قریباً من هنا، أنا وبناتی وزوجتی وأخت زوجتی، الحق أئی عاقل عن الشغل، وفي حاجة إلى نصف لتر من الزيت» (وطار، همان: 44).

این بند از داستان به فقر و بیچارگی فردی از افراد جامعه الجزایر اشاره دارد که حتی در برآوردن مایحتاج خود عاجز مانده است. طبقه سرمایه‌دار و فئودال بسیار بیم آن دارند که این اوضاع با برپایی انقلاب کشاورزی و اجرایشدن قانون اصلاحات ارضی، تغییر کرده و منافع آن‌ها را خدشه‌دار کند. این مسأله نیز در رمان به خوبی نمایان است.

«کثر الناس، کثروا بشکل فطیع إنهم یخرجون من کل زاویه، هذا یوم حشر... کل إناء بما فيه یرشح» (م.ن: 63). «ارتفعت فجأة، نغمه من أرزنة تهتف إلى السماء بالظماً والشبق، فخیل للشیخ عبد المجید بو الأرواح، أن ذلک إعلان عن قیام الساعة (الزلزال)، فأغمض عینیه متمماً: اللهم اغفر لنا ذنوبنا، ما تقدم منها و تأخر» (م.ن: 68).

این عبارات بر ترس و واهمه زمین‌داران و سرمایه‌داران الجزایری دلالت دارد که هر لحظه نگران به اجرا درآمدن قانون اصلاحات ارضی هستند. آن‌ها به خوبی می‌دانند که از کوزه همان تراود که در آن است. نویسنده با به‌کارگیری روش‌های بیانی مناسب از جمله ضرب‌المثل سعی در نمایش هرچه بهتر اوضاع موجود دارد. ایشان معتقد است حق در نهایت به صاحبان اصلی آن می‌رسد.

رمان نتیجه می‌گیرد که ابوالارواح و ابوالارواح صفت‌ها، هرگز به مقاصد خویش نمی‌رسند، هرچند تمام همت خود را به‌کار گیرند و هرگونه که بخواهند قوانین ضد منافع خود را دور بزنند یا از آن فرار کنند، اما نمی‌توانند. تا جایی که ابوالارواح در این رمان دچار ناامیدی شدید شده و چون ناکام واقعی را کسی جز خود نمی‌داند، به انتهای راه رسیده و دست به خودکشی می‌زند.

3-6. آزادی

آزادی، آن هم از نوع آزادی فکری از مواردی است که در فحوای رمان به خوبی استنباط می‌شود. تمام سختی‌ها، مشکلات، انقلاب‌های ریز و درشت، جان‌فشانی‌ها و ... در پی دستیابی به آزادی چون آزادی فکری و اجتماعی است. اگر انسان از لحاظ فکری از قید و بندها آزاد شود بی‌شک به دنبال آزادی اجتماعی نیز خواهد رفت و اگر انقلابی در افکار، روح و روان شخصی صورت نپذیرد هیچ‌گاه نمی‌تواند به آزادی فکری و در پی آن به آزادی اجتماعی بیانجامد.

تفکر چالشی که آزادی فکری در جامعه الجزایری با آن روبه‌رو است، هر تفکری که باشد اجازه اندیشیدن و گفتگو را به دیگر تفکرها و اندیشه‌ها ندهد؛ بنابراین چنین شخصی با این اندیشه، سرانجام سرنوشتش جز بندگی فکری نخواهد بود. هرگونه دیگران بیانداشند او نیز مجبور به پیروی از آن است و اگر انسان برای آراء و افکار دیگران اهمیتی قائل نشود، پایانی جز سرنوشت شیخ ابوالارواح نخواهد داشت که در نهایت به جنون افتاده و در گوش خود جز سه صدا نمی‌شنود.

«صوت الحضری المطربش یهتف.

یا سیدی راشد ... یا صاحب البرهان.

و صوت یغرد مع الرباب: یا سیدی الطالب داونی نبراً.

و صوت یعلن فی رنّه مغریبه متوجعه:

الكلام المصرع فقد المذاق والحرف البراق، ضیع الحده» (وطار، م.ن: 198).

می‌توان دریافت که نویسنده پیوسته به دنبال آن است تا تصاویری حقیقی و واقعی از آن‌چه که کشورش در تاریخ معاصر خود آن را پشت سر گذارده، به شیوه‌ای داستانی و ادیبانه به مخاطب ارائه دهد و حوادث و شخصیت‌های واقعی یا داستانی را بازآفرینی کند.

4. نتیجه

نویسنده ضمن استفاده و به‌کارگیری شخصیت‌های داستانی چون «شیخ ابوالارواح» و «نینو» و «بلبای»، از شخصیت‌های حقیقی و واقعی مانند «ابن بادیس» که از اندیشمندان تاریخ عربی اسلامی الجزایر است بهره می‌گیرد که در این رمان، ابوالارواح خود را به این شخصیت نزدیک می‌کند تا بتواند توجیهی دینی برای سرپیچی از قانون بجوید یا به عبارت دیگر، فرار خود را از اجرای قانون، موجه جلوه دهد و حق نابه‌جای خود را به حق نمایان سازد. این موضوع با ویژگی‌های رمان تاریخی مطابقت پیدا می‌کند، دال بر این‌که نویسنده می‌تواند شخصیت‌های رمان را گاه تخیلی و گاه واقعی برگزیند.

انقلاب کشاورزی یا پدیده اصلاحات ارضی، واقعیتی اجتماعی - تاریخی است، اهمیت آن در این رمان تا اندازه‌ای است که از آن به‌عنوان «لزلزال» یاد می‌کند و همین نام را برای اثر ادبی خود برمی‌گزیند. نویسنده با پرداختن به این پدیده مهم، به زوایای مختلف آن نیز توجه دارد. به اجرا درآمدن قانون اصلاحات ارضی و اجرای عدالت برای همگان؛ این خود، گواه بر سوسیالیستی بودن اندیشه حاکم بر رمان دارد. نخست آزادی فکری و دادن آگاهی به طبقه متوسط و فقیر گارگر و کشاورز مطرح‌شده و پس از آن انقلابی به وقوع می‌پیوندد که در جهت اجرای عدالت برای همگان است. نویسنده در این رمان برای تیول‌داران و فئودالیست‌ها که در جهت رسیدن به منافع خود پافشاری و لجبازی می‌کنند، سرنوشتی چون سرنوشت ابوالارواح متصور است که به نومیدی مطلق رسیده و دست به خودکشی می‌زند.

نوعی از رمان تاریخی، رمان تاریخی - رئالیستی است و این نوع از رمان، واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی را مورد توجه قرار می‌دهد. رمان «لزلزال» مملو از تصاویری حقیقی و

واقعی از جامعه الجزایری مانند نمایش نداشتن امنیت و آرامش، ظلم و جور، وضعیت متشنج اجتماعی در اثر استعمار فرانسه و پدیده اصلاحات ارضی و پیامدهای آن است؛ بنابراین می‌توان آن را یک رمان تاریخی - رئالیستی قلمداد کرد. پیوند میان تاریخ و اجتماع پیوندی ناگسستنی است می‌توان اذعان داشت که رمان حاضر به واقع‌گرایی اجتماعی (رئالیسم سوسیالیستی) نیز گرایش پیدا می‌کند، زیرا پیوسته از مشکلات جامعه و از دغدغه‌های انسان معاصر سخن گفته است. صورت‌گری از فضای موجود جامعه به همراه اهدافی چون اجرای عدالت برای همگان، دستیابی به استقلال و آزادی و از بین رفتن فضای تشنج و اختناق فکری و اجتماعی می‌تواند از مبانی واقع‌گرایی اجتماعی باشد.

5. پی‌نوشت

1. در تحلیل گفتمان به تمام این موارد بافت موقعیت می‌گویند. در بافت موقعیت (context of situation) نیز یک عنصر یا متن در چارچوب موقعیت خاصی که تولید شده است، مورد نظر قرار می‌گیرد. بافت‌های فرهنگی، اجتماعی، محیطی و سیاسی از این نوع به‌شمار می‌روند (بهرام‌پور، 1379:8).

6. منابع

- الأعرج، د.واسینی (2011). الزلزال جدل الإخصاب والعقم، مقامات نقدیه وحوارات مختاره، مقام نقدی اول، ج 1، الجزایر: تلمسان، نشر وزاره الثقافه.
- ایرانی، ناصر (1380). هنر رمان، چاپ اول، آبانگاه.
- بن‌جمعه، بوشوشه (1992). مختارات من الروایه المغاربیه المعاصره، ج 1، المؤسسه الوطنیه للترجمه والتحقیق والدراسات، بیت الحکمه.
- فرکلانف، نورمن (1379). مقدمه گردآورنده تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه شعبان‌علی بهرام‌پور، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- پرهام، سیروس (1362). رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات، تهران: آگاه.

نظام سرمایه‌داری؛ برسازی هویت مطلوب ... _____ کبری روشنفکر و همکاران

- جاسم الموسوی، محسن، (1975). **الموقف الثوری فی الروایه العربیه، الجمهوریه العراقیه:** منشورات وزاره الإعلام.
- حمید، حسن (1994). **الطاهر وطار: لست مباشرا فی کتابتی و إنما عمیق عمق البساطه فی لقاءه و حوارہ مع أسبوعیه «إلی الأمام»**، بیروت: الجمعه 10.
- دنسی، جانانان (88/10/12)، اصطلاحات، 1992 www.zehnmang.org/articles/129.com
- الزبیری، محمد العربی (1999). **تاریخ الجزائر المعاصر**، دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
- ساچکوف، بوریس (1362). **تاریخ رئالیسم**، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران: تندر.
- سارتر، جان بول (1980). **نظام الاستعمار الفرنسی فی الجزائر، الأداب**، عدد 4-5، نیسان-أیار، سال 28.
- ساری، محمد (2011). **البعد الاجتماعی فی روایه الزلزال**، مقامات نقديه وحوارات مختاره، المقام النقدي الأول، ج 1، الجزائر، تلمسان، نشر وزاره الثقافه.
- سعد، سلمی محمود (2000). **«الثورة الجزائریه فی روايات الطاهر وطار (من الخمسينات حتی مطلع التسعينات)»**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، لبنان: الجامعه الأمريکیه فی بیروت.
- سیدحسینی، رضا (1362). **مکتب‌های ادبی**، تهران: نیل.
- شریبط، أحمد (2011). **تأویل الشخصیة والمکان**، مقامات نقديه وحوارات مختاره، المقام النقدي الأول، ج 1، الجزائر، تلمسان: نشر وزاره الثقافه.
- غلام، محمد (1381). **رمان تاریخی سیر ونقد وتحلیل رمان های تاریخی فارسی**، چاپ اول، تهران: چشمه.
- عبدی، صلاح‌الدین (1391). **«رویکردی جامعه شناختی بر آثار طاهر وطار (مطالعه مورد پژوهانه: رمان الزلزال»** براساس الگوی لوسیان گلدمن)، قزوین، فصل‌نامه لسان مبین، سال سوم، شماره هفتم.
- عثمان، عبدالفتاح (1993). **الروایه العربیه الجزائریه و رؤیه الواقع**، مصر: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
- فیلالی، حسین (2011). **الصفه والشبیه المتخفی مقاربه سیمیائیة فی روایه الزلزال**، مقامات نقديه وحوارات مختاره، المقام النقدي الأول، ج 1، الجزائر، تلمسان، نشر وزاره الثقافه.

- قادری، فاطمه، (1389). سیری در تحول ادبیات معاصر الجزائر، چاپ اول، انتشارات دانشگاه یزد.
- کامبل، روبرت (1996). أعلام الأدب العربي المعاصر، ج2، بیروت: دار النشر فرانتس شتاينر شتوتگارت.
- مبارک، وزانی (1985). الأبعاد الحضاريه فى روايه الزلزال للطاهر وطار، الجيش، عدد 254، ماى 1985 <http://www.khayma.com/wattar/lire/chahadat/ZILZAL>
- میرصادقی، جمال (1376). ادبیات داستانی، چاپ سوم، تهران: سخن.
- النساج، سید حامد (1984). بانوراما الروايه العربيه الحديثه، ط 1، بیروت، المركز العربی للثقافه والعلوم.
- وطار، الطاهر (1974). الزلزال، الجزائر: الشركه الوطنيه للنشر.
- وطار، الطاهر (1428هـ.ق.). الزلزال، ط1، بیروت: الدار العربيه للعلوم ناشرون.
- هاتورون، جرمی (1380). پیش درآمدی بر شناخت رمان، ترجمه شاپور بهیان، چاپ اول، اصفهان: نقش خورشید.
- _____ (1981). الطاهر وطار يتحدث للثقافه الجديده: للأدب رساله خلاص للإنسانيه، شهریه الثقافه الجديده، سنه 28، عدد 11-12، بغداد، ايلول - تشرين الأول.
- عبدالقادر، عبدالله (2010). الولی الطاهر يعود إلى مقامه الزکی، مجله التبیین، عدد 35، جمعیه الثقافیه الجزائریه، الجزائر: مطبعه الجاحظیه.
- هلال، أحمد علی (2010). مؤسس الروايه العربيه فى الجزائر الطاهر وطار برج الكتابه العالی، مجله التبیین، عدد 35، جمعیه الثقافه الجزائریه، الجزائر: مطبعه الجاحظیه.